http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/5248/5291/49267

[بشارت](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/5248)، [فروردین و اردیبهشت 1384، شماره 46](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/5248/5291/0)

**هدایت ها و ارزش ها: روش تبلیغ**

**احمد عابدینی**

|  |
| --- |
| همه هدایت گران جامعه ،اعم از :روحانیون و نویسندگان و اهل قلم، دوستدار ارشاد و راهنمایی توده مردم خصوصاً جوانان هستند و اذعان دارند که جوانان درصد بسیار بالایی از جامعه فعلی ما را تشکیل می دهند و هدایت یا ضلالت آنان، سخن شنوی یا عصیان آنان، فرهیخته بودن و یا شرارت بار بودن آنان، در سرنوشت تمامی جامعه نقش بسیار مهمی دارد و به همین جهت،همه بیشترین سعی و تلاش خود را در این راه انجام می دهند؛ ولی حالت سرخوردگی در بیشتر آنان مشهود است، زیرا به وضوح می بینند که تبلیغ های فراوان آنان کمتر اثر گذاشته، بلکه گاهی نتیجه اش فرار جوانان از دین و مسجد شده است.  اگر از آنان علت این ناموفقی پرسیده شود، هجوم فرهنگی استکبار، فیلم های منحرف و گسترش فساد از راه های گوناگون را از علت های اصلی ذکر می کنند.  به نظر می رسد برای شناخت روش صحیح و مؤثر تبلیغ، باید سراغ خود قرآن برویم و ببینیم قرآن چگونه و با چه زبانی سخن گفته تا توانسته است در قلب ها نفوذ کند.  همه می دانند که مردم جزیرة العرب، قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) بت پرست، مشرک، دارای خرافات و از علم و دانش بدور بودند در چنین محیطی اگر کسی می آمد و خود را فرستاده خدای واحد می دانست، مسلماً مورد هجوم همگان واقع می شد و این سخن به هیچ وجه در بین مردم زبان به زبان و سینه به سینه نمی گشت، ولی روش ارائه مطالب به گونه ای بود که این سخن به راحتی جای خود را باز کرد.  اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) چنین است.  «أَقرَاء ِباسِم رَبِّکَ الََّذِی خَلَقَ. خَلَقَ الإنسَان مِن عَلَقٍ.أَقرَأَء وربُکَ الَاکرَمُ. الذَّی عَلَّمَ بالِقُلَمَ. عَلَّمَ الإِنسَانَ مَا لَم یعْلَم»(سوره علق، یات 1 تا 5)  **نکته های روش نما**  1. در این آیه از شخص خاصی نام برده نشده است تا به ذهن ها خطور نکند که این آیه برای تبلیغ محمد (ص) یا دیگری می باشد و حتی لفظ «رسول» و امثال آن نیز برده نشده است. اگر خوب دقت شود معلوم می گردد که این نکته در سایر یاتی که در اوایل بعثت نازل شده، رعایت گردیده و به جای خطاب «ای محمد» و «ای رسول» خطاب «یا ایها المزمّل؛ای جامه به خویشتن پیچیده!» و خطاب «یا ایها المدّثر؛ای ردا به سرکشیده!» به کار برده است.  بنابر این هیچ کس نمی توانست بگوید ویا حتی تصور کند که خداوند در پی برتری دادن شخص خاصی بر آنان است و یا این که یتیم ابوطالب می خواهد با ادعای رسالت و آوردن این کلمات موزون بر آنان برتری یابد.  2. با این که آن زمان، به عصر جاهلیت معروف بود و جهالتشان شهره آفاق بود و کسانی که توان خواندن و نوشتن را داشتند از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کرد، نه تنها از آن همه جهالت و نادانی ذکری به میان نیاورده، بلکه با آوردن فعل ماضی «عَلَّمَ» و تکرار آن،می فهماند که مردم علوم را می دانند و چون آنان نیز خود را مصداق «الانسان» می دانسته اند، در نتیجه خودشان را مخاطب یات تلقی می کردند.  3. این آیات پیام رسانی را با لطافت خاصی شروع می کند و در حالی که مردم را آگاه به علومی می داند اما منشآعلوم را رب معرفی می کند. این کلمه در آن محیط، کلمه ای حسّاسیت برانگیز نبود؛ ولی به هر حال به کاربردن «رب» و استعمال آن به صورت مفرد کم کم «ارباب» را از دلها می زدود.  4ـ در این یات از لفظ «اللّه» و «رحمان» که اسامی خاص خداوند هستند، ذکری به میان نیامده و شاید حکمتش این باشد که «رحمن» را عرب ها نمی شناختند و فقط «اللّه» را قبول داشتند؛و ربوبیت مطلق او را قبول نداشتند؛ و برای موجودات دیگر نیز نقش تربیت قائل بودند، یات در صدد جایگرینی «رب» به جای «ارباب» است تا روشن شود که «رب» همان «اللّه» است.  بنابراین، انسان در می یابد که شیوه صحیح در تبلیغ، تصحیح سنت های گذشته است، نه دگرگونی کامل آنها.  5. در این یات تلاش شده، آگاهی های جدیدی ـ خصوصاً برای مردم آن زمان ـ از نحوه خلقت انسان ارائه دهد و آگاهی آنان را در بُعد زیست شناسی بالا ببرد و بدون ایجاد تنش، بر علم آنان بیفزاید. مسلّماً افزایش علم به افزایش خداشناسی می انجامد.  6. استفاده از کلماتی چون «خواندن»، «یاد دادن»، «قلم»و «گرامی ترین» حکایت از شروع یک نهضت فرهنگی می کند؛ زیرا کلماتی که ادبیات عرب را تشکیل می دادند، عمدتاً عبارت بودند از «شراب»، «شتر»، «زن»، «هجوم»، «غارت»، «کشتن»و….  حال آوردن کلماتی که مطلوب همگان باشد و ارتباط دقیق، ظریف و لطیف بین آنها و جایگزین ساختن آنها به جای کلمات مرسوم نه تنها قلب هر صاحب عقل و خرد؛ بلکه هر صاحب فطرت سلیمی را به خود جلب می کند.اگر عبارات و ادبیات کنونی مبلغان دین و قرآن را مرور کنید و منصفانه به قضاوت بنشینید،خواهید دید که این ادبیات مطابق روح و روان یک انسان امروزی نیست،به همین جهت است که شنونده و مخاطب به سوی دین و قرآن جذب نمی شود.  7. آهنگ یات و تناسب آن با معانی،از امور جاذبی است که قرآن را در صدر اسلام به داخل سینه ها و ذهن ها منتقل ساخت؛ امّا یا تا کنون مبلغان ما براین نکته دقت داشته اند و یا در تبلیغ های خود به کار گرفته اند یا معمولاً مبلغان دین با لحن و کلمات و ادبیات مخصوص که غالباً غریب، خشک و غیر جذاب است، به تبلیغ دین دست یازیده اند؟ |